

تیمور تاش

تحقیق و نگارش:

دکتر باقر عاقلی



۱۳۹۹

فصل اول- دوران کودکی و نوجوانی

۲۷ تا ۹

خانواده و شغل پدر - دوران تحصیل در روسیه - وضع سفارت ایران در پترزبورگ - اولین مأموریت خان حاکم - ازدواج

فصل دوم - ورود به صحنه سیاست

۶۶ تا ۲۷

وکیل دوره دوم - خلع سلاح مجاهدین و معززالملک - معززالملک و اولتیماتوم روسیه - مجلس دوم از دیدگاه تقی زاده - فرمانده قشون خراسان و لقب جدید

فصل سوم - دوران تلاش و شهرت

۱۲۰ تا ۶۷

سردار معظم وکیل دوره سوم مجلس شورای ملی - مخالفت با مستوفی الممالک - رئیس الوزرائی عین الدوله و سردار معظم خراسانی - سردار معظم عضو ایرانی کمیسیون مختلط - حکمران گیلان - سردار معظم در زندان سید ضیاء

فصل چهارم - سردار معظم و مجلس چهارم

۱۹۸ تا ۱۲۱

قلع و قمع طرفداران سید ضیاءالدین و رد اعتبارنامه عدلالملک - رد اعتبارنامه سلطان محمدخان نائینی - شهید ثالث سید ضیاءالدین - خیابانی، مشیرالدوله، سردار معظم - سردار معظم نایب رئیس اول مجلس - قوام السلطنه و سردار معظم - مدافع اختیارات مصدق السلطنه - سقوط کابینه قوام السلطنه - زمامداری مشیرالدوله - اختیارات و انحلال عدلیه - سردار معظم والی کرمان

فصل پنجم - مجلس سرنوشت ساز

۱۹۹ تا ۲۰۸

وکالت دوره پنجم - قانون لغو القاب و درجات نظامی

فصل ششم - تیمورتاش وزیر مقتدر دربار پهلوی

۲۰۹ - ۲۹۲

انتخابات دوره ششم - تیمورتاش در مسکو - تیمورتاش و نمایندگان مجلس -
مخبر السلطنه رئیس الوزراء - تیمورتاش در اوج قدرت - تشکیل حزب ایران جوان -
تیمورتاش و انتخابات - قیام روحانیت و مردم علیه نظام اجباری - مرگ ناگهانی حاج آقا
نورالله - تیمورتاش و انتصابات - نامه محرمانه فروغی به تیمورتاش - کلوپ ایران یا
مرکز تصمیم گیری - تیمورتاش وزیر خارجه وزیر داخله - آخرین سفر تیمورتاش به
اروپا - نعل وارونه - تیمورتاش در شوروی - تیمورتاش در بندر چمنخاله - شرح حال
دیوانیگی وکیل الملک دیبا که بود - شعله های نفت در غیاب تیمورتاش - اولین زنگ خطر.

فصل هفتم - برکناری و محاکمه تیمورتاش

۲۹۳ تا ۳۴۸

برکناری و مقدمات محاکمه - نخستین محاکمه تیمورتاش - محاکمه دوم تیمورتاش -
سخنان مدعی العموم - مقبل از تیمورتاش دفاع میکند - محکومیت دوم تیمورتاش -
پاداش رئیس محکمه و مدعی العموم - ارزیابی محاکمه تیمورتاش - حسینی نواب و
تیمورتاش - مرگ تیمورتاش - تیمورتاش چرا به قتل رسید - بازماندگان و سرنوشت آنها

فصل هشتم - عبدالحسین تیمورتاش در آئینه تاریخ

۳۴۹ تا ۴۵۲

یادداشت های خصوصی تیمورتاش - تیمورتاش به قلم علی دشتی - تیمورتاش و سرانجام
دردناک او بقلم بلوشر وزیر مختار آلمان - تیمورتاش در خیمه شب بازی از سعید
نفیسی - تیمورتاش وزیر دربار نوشته مهدی فرخ - تیمورتاش از دیدگاه ابوالحسن
ابتهاج - تیمورتاش که بود نویسنده عباس اسکندری - تیمورتاش و قوام السلطنه - تیمورتاش و
علامه فزونی - تیمورتاش و ملک الشعراى بهار

۴۵۳ تا ۴۶۳

۴۶۹

فهرست اعلام

فهرست منابع و مآخذ

خانواده و شغل پدر

عبدالحسین تیمورتاش ملقب به (معززالملک - سردار معظم خراسانی) در حدود ۱۲۶۰ متولد شد. پدرش کریمدادخان به ترتیب لقب معززالملک و امیرمنظم داشت. کریمداد در جوانی وارد دستگاه یارمحمدخان سهام الدوله بجنوردی مرزدار و ملاک بزرگ شمال غربی خراسان شد و چون از خوانین نردین بود مورد توجه سهام الدوله واقع شد و ترقی کرد و سرانجام پیشکار او شد.

یار محمدخان از اواسط سلطنت ناصرالدینشاه به حکومت بجنورد و توابع منصوب شد و چندی نیز حکومت گرگان با او بود و در زمره افرادی بود که شاه توجه خاصی به او داشت مخصوصاً در حکومت گرگان پس از دفع اشرار ترکمان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و لقب سردار مقمّم به او داده شد. یار محمدخان در دوران سلطنت ناصرالدینشاه سالی دوبار برای تقدیم گزارش حوزه ماموریت خود به تهران وارد میشد در این ملاقات ها پیش کشی قابل ملاحظه‌ای به شاه تقدیم می کرد و چون مردی کریم النفس و بذال و دست و دل باز بود دیگران را نیز از بذل و بخشش خود بی نصیب نمی گذارد.

پس از فوت ناصرالدینشاه و جلوس مظفّرالدینشاه به تخت سلطنت، اطرافیان شاه جدید که سالها انتظار چنین ایامی را داشتند با حکام و ولات که برای تصفیه حساب خود به دربار می آمدند برخورد مؤذبانه‌ای نداشتند و برای اخذ پیشکشی و عوارض و مالیات ارباب رجوع را مورد فشار قرار داده و آنها را میدوشیدند ازینرو یار محمدخان که مردی متعین و سالخورده بود از رفتن به دربار مظفّرالدینشاه خودداری نموده و کریمدادخان پیشکار خود را که خُلُقاً و خَلَقاً زیبا بود برای اینکار معرفی کرد و برای اینکه به پیشکار خود حیثیت و وزنی داده باشد حکومت سبزوار و جوین را به او سپرد، کریمدادخان از این ماموریت استقبال فراوان کرد و با حربه فروتنی و مردمداری توانست در اولین

مأموریت خود در دربار دوستان خوبی برای خود تدارک ببیند و علاوه برای پیشکشی و هدایائی که از طرف یارمحمدخان سهام الدوله تقدیم دربار شاه مینمود. برای صدراعظم و سایر درباریان به فراخور حال هدایائی تقدیم می کرد او در هر مأموریتی که به تهران میرفت قریب هزار سکه طلا و بیست اسب ترکمنی اصیل که توسط او تربیت شده بود به همراه می برد اسبها را بعنوان هدیه ناقابل به اصطبل رجال و درباریان و امناء دولت میفرستاد و سکهها بین خدمه دربار و خواجهها تقسیم مینمود. کریمداد خیلی زود توانست در دربار نفوذ پیدا کند و اولین اقدامی که برای خود انجام داد گرفتن لقب (معززالملکی) برای خود بود. سهام الدوله نیز چون لیاقت او را در این مأموریتها دریافت حکومت تربیت را نیز به او واگذار کرد. طرز عمل کریمداد خان معززالملک و ریخت و پاشهای او در تهران موجب شد که زمینههای بهتری برای خود فراهم سازد.

در سال ۱۳۲۱ قمری وقتی عین الدوله به صدارت رسید و خزانه دولت را خالی دید در صدد توازن بودجه برآمد پس از رسیدگیهای مفصل معلوم شد عدهای از حکام بجای اینکه مالیات و خراج خود را به خزانه دولت وارد کنند قسمتی از آن را به بعضی از رجال پرداخته و بقیه را حیف و میل کرده اند از جمله کسانی که این شیوه را به کار برده بودند امیرشوکت الملک علم امیر قائنات بود. عین الدوله امر به احضار امیر شوکت الملک داد ولی امیر قائن فرمان صدراعظم را نادیده گرفته به امارت خود ادامه داد. با صلاحدید مظفرالدینشاه کریمدادخان معززالملک برای حکومت و امیری قائنات تعیین گردید و ضمن دستور العمل هائی که برای او صادر شد این بود که امیر شوکت الملک را به تهران اعزام دارد. کریمدادخان در این مأموریت چابکی خاصی به خرج داد و بدون خونریزی و زد و خورد امور حکومت قائن را قبضه نمود و امیر شوکت الملک را به تهران روانه ساخت و باین ترتیب باعتبار خود در دستگاه عین الدوله صدراعظم افزود.

در سال ۱۳۲۲ هجری قمری یارمحمدخان سهام الدوله در گذشت^۱ و توارثاً مرزدار و املاک وسیع او به پسرش عزیزالله خان سالار مخفم واگذار شد^۲ ایلخان ایل

۱- دوتن از فرزندان یارمحمدخان سهام الدوله بعدها بنام حبیباله شادلو و نصراله شادلو در ادوار پانزدهم و شانزدهم و هفدهم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شدند نامبردگان در زمان رضا شاه پهلوی در تمام مدت در اصفهان به حالت تبعید زندگی می کردند.

۲- یارمحمدخان شادلو ایلخان فرزندان عزیزالله خان سالار مخفم در ادوار ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ وکیل بجنورد در مجلس شورای ملی بود.

شادلو هم به او تفویض گردید و طبعاً مقام و منزلت کریمداد خان به علت سن و موقعیت درباری نزد ایلخانان جدید بیشتر شد و عزیزالله خان بدون مشورت و صلاحدید او دست به کاری نمیزد. کریمداد خیلی زود توانست لقب معززالملک را برای پسرش بگیرد. و برای خود لقب «امیرمنظم» را پیشنهاد نمود و مورد تصویب صدراعظم و شاه قرار گرفت. در اواسط سلطنت مظفرالدینشاه، عبدالحسین خان فرزند ارشد کریمداد خان امیر منظم که به سن هفده سالگی رسیده بود و مقدمات تحصیلی را پایان داده و سوارکاری ماهر و تیر اندازی قابل بود در صدد برآمد رضایت پدر خود را برای ادامه تحصیل در یکی از کشورهای خارجی جلب کند. مذاکرات پدر و پسر خیلی زود به نتیجه رسید و امیر منظم موافقت کرد که میتواند برای ادامه تحصیل به مملکت روسیه رهسپار شود ولی باین نتیجه رسید که قبل از عزیمت به آن کشور لازم است زبان روسی را فراگیرد ازینرو فوراً او را به عشق آباد فرستاد.

دوران تحصیل در روسیه

کریمداد در عشق آباد با نصیرییکاف که از تجار و محترمین قفقاز و ایرانی الاصل بود دوستی و مراوده و گاهی هم تجارت داشت ازینرو نامه ای به او نوشته حاجت خویش را در میان نهاد و از او استمداد طلبید. نصیر بیکاف آمادگی خود را برای سرپرستی عبدالحسین خان اعلام نموده پدر و پسر عازم عشق آباد شدند و قرار شد ظرف یکسال زبان روسی و مقدمات دروس معمول تحت نظر معلمین خصوصی به او آموزش داده شود و هنگامیکه آمادگی پیدا کرد برای ادامه تحصیل به پترزبورغ پایتخت روسیه عازم شوند. عبدالحسین خان که عاشق کشورهای اروپائی بود به خوبی دریافت که در عشق آباد آنچه را که او میخواهد وجود ندارد بلکه زندگی در آنجا به مراتب سخت تر و دشوارتر از بجنورد است بنابراین تلاش خود را مضاعف کرد تا هرچه زودتر زبان روسی را فراگیرد و اطلاعاتی نیز از دروس مقدماتی را بدست آورد لذا برجذیت خود افزود و برخلاف انتظار همه ظرف یکسال آنچه را که لازم بود بداند دانست و به پدر خود اطلاع داد که برای ادامه تحصیل در پایتخت روسیه آمادگی کامل دارد. کریمداد خان امیرمنظم که از توفیق فرزند خود خوشحال و شادمان بود به عشق آباد رفته دست (نورچشمی) را گرفته قدم به قدم عازم پترزبورغ گردید. آنگاه پدر و پسر به ملاقات پرنس میرزا رضاخان



عبدالحسین تیمورتاش وزیر مقتدر دربار

ارفع الدوله وزیر مختار ایران در روسیه رفتند. در اینجا لازم است شرح ملاقات را به عهده ارفع الدوله قرار دهیم او می‌نویسد^۱ «یک روز پیشخدمت آمد و گفت یکنفر ترکمن با یک بچه آمده‌اند شما را ببیند وارد شدند دیدم کریم‌دادخان است با پسرش عبدالحسین خان. گفتم بنشینید، کریم‌داد نشست ولی به پسرش سپرده بود که ننشیند. دیدم عبدالحسین خان از دیدن وضع سفارت و پیشخدمت، می‌لرزید پیشخدمت را صدا کردم که یک صندلی برای او بیاورد تکلیف کردم بنشیند با هزار اصرار نشست. کریم‌داد خان گفت البته پیش بینی و وعده خودتان را فراموش نکرده‌اید این پسر شما است و آورده‌ام بدهم بدست شما هرچه میخواهید درباره او معمول دارید. گفتم متشکرم از این فقره ولی مقصودتان چه چیز است و در کدام رشته او را تربیت بدهم. گفت البته دیدید پسرهای سهام الدوله سواری یاد می‌گرفتند پسر من هم با آنها سوار میشد. پسر من هم سواری یاد گرفته میخواهم همان رویه پدری ما را یاد بگیرد. بتوسط وزیر امور خارجه از اعلیحضرت امپراطور خواهش کردم او را به اولین مدرسه سوارنظام موسوم به مدرسه سوار نظام نیکولای بگذارند. استدعای من مورد قبول یافت به مدرسه مزبور داخل شد.»

با این ترتیب میرزا عبدالحسین خان معززالملک جوان هفده ساله بلندخوش اندام و زیبا روی شرقی وارد یکی از مدارس نظامی درجه اول روسیه گردید که فقط شاهزادگان و فرزندان اعیان و اشراف با اجازه امپراطور روسیه حق ورود بآن مدرسه و تحصیل را داشتند. زیبایی بلندی قامت چابکی و پرکاری او خیلی زود او را شناسانید. بطوریکه در هفته اول در شامگاه مورد تشویق سرگروهیان مدرسه قرار گرفت و یک روز به او مرخصی داده شد. در سال اول مدرسه را خیلی جدی گرفت و روزهای مرخصی گاهی به نزد ارفع الدوله می‌رفت ولی در آن ایام جز به تحصیل به چیز دیگری فکر نمی‌کرد. سال اول مدرسه نظام را به خوبی تمام کرد شاگرد اول نشد ولی جزء شاگردان ممتاز مدرسه بود همه او را می‌شناختند از فرمانده دانشکده گرفته تا فرماندهان جزء در آن ایام در روسیه نام خانوادگی مرسوم بود و هر دانش آموزی نام و نام خانوادگی داشت عبدالحسین خان نیز لقب خود «معززالملک» را نام خانوادگی خود قرار داده بود ولی احساس می‌کرد این لقب در روسیه نه مفهومی دارد و نه نشانه‌ای از اصالت و تشخیص است لذا باین فکر افتاد

۱- ایران دیروز - خاطرات پرنس ارفع الدوله صفحات ۱۴۰ و ۱۴۱.